



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



لزوم همکاری بیشتر ایران و عربستان

۱۰ مارس سالروز عادی‌سازی روابط ایران و عربستان است؛ توافقی تاریخی بین دو دشمن منطقه‌ای که پس از میانجیگری چین ممکن شد. از زمان صدور بیانیه توافقی در پکن، این دو کشور روابط مستحکمی ایجاد کرده و به‌طور منظم در سطح وزیران با هم تعامل دارند. با این حال، هر دو طرف باید تلاش بیشتری را برای تعمیق روابط دوجانبه، تأمین منافع خود و منافع منطقه، صورت دهند. توافق عربستان و ایران بسیار مهم است و از چند جهت بر خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. اولاً، این توافق تنش بین دو طرف اصلی درگیر در منطقه را کاهش داده است. ریاض و تهران سال‌ها درگیر رقابت شدیدی برای نفوذ ژئوپلیتیکی در جبهه‌های لبنان و سوریه، عراق، بحرین و یمن بودند. عادی‌سازی روابط آنها روند رقابت پرتنش را در سراسر منطقه متوقف و حتی معکوس کرده است. ثانیاً، آشتی آنها به حفظ شکلی از ثبات در منطقه کمک کرده است. وقایع ۷ اکتبر و جنگ متعاقب آن در غزه یادآور این واقعیت بوده است که ثبات در این منطقه همیشه شکننده است. استیصال فلسطینیان ناشی از اشغال طولانی‌مدت اسرائیل و انتقام نامتناسب اسرائیل، منطقه را در یک فاجعه دیگر فروبرده است. اما با توجه به احتمال سرریز درگیری فلسطین و اسرائیل، آشتی بین عربستان و ایران به‌عنوان یک لنگر حیاتی برای حفظ ثبات منطقه‌ای عمل کرده است. ثالثاً، این آشتی در خدمت ترویج آرمان مشروع فلسطینیان است. عربستان سعودی و ایران متعهد شده‌اند که در خلیج فارس بلکه در سراسر منطقه و جهان اسلام نیز قدرتمند هستند. اتحاد این دو به جهان اسلام در مبارزه برای آرمان فلسطین قدرت می‌بخشد. در طول سال گذشته، هر دو طرف تمایل خود را برای پیشبرد مصالحه نشان دادند. مدت کوتاهی پس از بیانیه مشترک اعلام روابط، دو طرف روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفتند و هر یک طبق برنامه توافقی شده، سفارت خود را در پایتخت دیگری تأسیس کردند. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در ماه نوامبر به عربستان سعودی سفر کرد و در نشست‌های ریاض در خصوص وضعیت غزه شرکت کرد. در اوایل فوریه، ایران سیاست سفر بدون روادید را برای اتباع امارات متحده عربی، عربستان سعودی، بحرین، کویت و قطر اعلام کرد. همچنین قابل ذکر است که این دو علاقه شدیدی به گفت‌وگوهای امنیتی نشان داده‌اند. سردار سرلشکر محمدحسین باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران در ۹ نوامبر ۲۰۲۳ تلفظی با خالد بن سلمان آل سعود، وزیر دفاع عربستان گفت‌وگو کرد. این دو اعلام کردند که آماده ارتقای روابط نظامی دوجانبه هستند که خود نشان‌دهنده تمایل هر دو طرف برای تعامل فشرده‌تر است. برای منطقه‌ای که مستعد بی‌ثباتی است، می‌توان گفت که اهمیت این آشتی بیش از حد است. با این حال، برای کاهش بیشتر عدم اعتماد میان دو طرف، این تلاش‌ها باید ادامه یابد. در حالی که چین دلایل زیادی برای میانجیگری دارد و همیشه آماده سرمایه‌گذاری در تلاش‌ها برای ارتقای آشتی در منطقه خواهد بود، دو طرف می‌توانند به‌صورت دوجانبه برای تعمیق روابط به‌روش‌های مختلف تلاش کنند. اولاً، آنها می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند تا تعاملات سطح بالا شکل بگیرد. چنین دیدارهایی به بهبود روابط سیاسی و همچنین افزایش اعتماد متقابل و ایجاد چارچوبی برای همکاری‌های آینده کمک می‌کند. ثانیاً، دو کشور می‌توانند گفت‌وگوهای امنیتی منظمی را در سراسر خلیج فارس برگزار کنند. ابهامات ناشی از درگیری فلسطین و اسرائیل و وضعیت آشفته منطقه به‌طور کلی، تبادل نظر ب‌موقع را ضروری می‌کند تا از سوءتفاهم جلوگیری شود. حسن‌نیت ابرازشده توسط دو فرمانده نظامی در نوامبر ۲۰۲۳ نشان داد که چنین مبادلاتی مطلوب است؛ پس چرا آنها را منظم نکنیم؟ ثالثاً، تهران و ریاض می‌توانند برای تقویت همکاری‌های اقتصادی خود با یکدیگر همکاری کنند. منافع اقتصادی به افزایش و شتاب دادن به آشتی سیاسی آنها کمک می‌کند. درست است که تحریم‌های غرب علیه ایران ممکن است مانع همکاری اقتصادی شود اما به‌عنوان مثال، عربستان سعودی و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس هر یک می‌توانند تنها در یک پروژه در ایران سرمایه‌گذاری کنند. رابعاً، دو طرف می‌توانند تبادلات علمی بیشتری انجام دهند. پیش از این مبادلات زیادی بین دانشمندان ایران و عربستان سعودی و سایر کشورهای بزرگ شورای همکاری خلیج‌فارس، حتی زمانی که روابط کشورهای آنها متخاصم بود، وجود داشته است. اما برای یک آشتی محکم، دو طرف می‌توانند چنین مبادلات بیشتری را تشویق کنند.

تاریخ دیپلماسی

نگون‌بختی که نخست همسر میرزاتقی‌خان امیرکبیر بود، پس از قتل او مجبور به ازدواج با میرزااکاظم نظام‌الملک، پسر میرزاآقاخان نوری شد و پس از عزل میرزاآقاخان، به دستور مادرش مهدعلیا از نظام‌الملک جدا شده و با انوشیروان خان ازدواج کرد. در حالی که خود به این ازدواج مایل نبود. او و انوشیروان خان صاحب سه پسر شدند؛ به نام‌های محمداسماعیل خان سپهبد، عیسی‌خان اعتمادالدوله و موسی‌خان عین‌الملک. انوشیروان خان پیش از عزت‌الدوله همسرانی داشت و از آنان صاحب چند دختر بود. دختر ارشد او امیرزاده خانم «سیدصدرالدین» عموی محسن صدر از نخست‌وزیران ایران در دوره پهلوی ازدواج کرد و دو پسر و یک دختر به دنیا آورد. پسر اول سیدشجاع‌الدین خان ملقب به ارفع‌السلطان وارد خدمت نظام شد و به درجه سرتیپی رسید اما این پسر محمداسماعیل سپهبد بود که اقبال بیشتری یافت؛ انوشیروان سپهبدی دیپلمات ارشد دوران قاجار و پهلوی و وزیر امور خارجه ایران در دوران محمدرضاشاه پهلوی.

سفیرکبیر ایران

سپهبدی که نسبی قاجاری داشت یکی از دیپلمات‌های ورزیده و متین و بی‌حاشیه دوران اواخر قاجار و پهلوی بود که علاوه بر سفارت در کشورهای پراهمیت برای ایران چون شوروی و فرانسه و ترکیه و مصر مدتی نیز وزارت امور خارجه را در دوران پراشوب و خطیر پایان جنگ جهانی دوم از سر گذراند. انوشیروان سپهبدی در سال ۱۲۶۷ در حالی در تهران زاده شد که به فتحعلی‌شاه نسب می‌برد و مادر بزرگش نیز نخست همسر و دل‌باخته امیرکبیر بود. انوشیروان پس از طی مدرسه سیاسی تهران که مشیرالدوله بنیان نهاده بود، در سال ۱۲۸۶ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. چندی معاون اداره عثمانی بود تا به نایب‌دومی ژنرال قنسول تقلیس منصوب شد. از دیگر مشاغل وی، کارگزاری امور کیفری و حقوقی اتباع بیگانه در همدان، معاونت دفتر وزارت، مدیر اطلاعات، رئیس اداره سوم سیاسی بود تا سرانجام به ریاست اداره کل تشریفات منصوب شد. نام خانوادگی او تا سال ۱۳۰۸ سپهبد بود، چون درجه‌ای بدین نام وارد درجات نظامی ارتش ایران شد، به وی تکلیف تغییر نام خانوادگی شد و سپهبد را به سپهبدی تغییر داد.

سپهبدی در سال ۱۳۰۸ به سمت وزیر مختار ایران در برن منصوب و نمایندگی ایران در جامعه ملل را عهده‌دار شد و نزدیک به چهار سال در آن سمت مستقر بود. دوران حضور انوشیروان سپهبدی در سوئیس با دوران تحصیل ولیعهد محمدرضایپهلوی در سوئیس همزمان بود و سفیر باید با دقت امور مربوط به ولیعهد را نیز اداره و مدیریت می‌کرد و از آنجایی که شخص رضاشاه بر وضعیت پسرش در سوئیس نظارت داشت، یکی از مشغولیت‌های اصلی سفیر را تشکیل می‌داد اما در عین حال ماموریت‌های مهم دیگری نیز به او سپرده می‌شد که مذاکره با دیپلمات‌های بریتانیایی درباره حاکمیت ایران بر جزایر خلیج‌فارس و حدود دریای سرزمینی در خلیج‌فارس و دریای عمان یکی از آنها بود. پس از پایان جنگ جهانی اول، قدرت‌های اروپایی با تأسیس جامعه ملل و وضع مقرراتی بین‌المللی که سلطه آنان را در عرصه بین‌المللی در پی داشت، تحت عنوان حفاظت از صلح جهانی و ممانعت از جنگ، مقرراتی را برای نظارت بر آب‌های بین‌المللی وضع کرده و درصدد بودند آن را به اجرا بگذارند. ایران در اعتراض به این مقررات اظهار داشت: «مقررات فوق ایران را - که یک کشور قدیمی و از شروع تاریخ مستقل بوده است - در حد مستعمره تنزل می‌دهد و ایران با توجه به ماده‌ی دهم میثاق از حاکمیت خود در سرزمین و آب‌های خود دفاع خواهد کرد... ایران، مصمم است از تجارت غیرمجاز اسلحه به سرزمین خود کلاً جلوگیری نماید؛ اما این عمل را به‌عنوان

روایت دیپلمات

قاجاریه از نژاد ترک بودند خیلی مایل بود که احمدشاه کارش خراب نشود و در سلطنت مستقر باشند. آن‌وقت احمدشاه در فرنگستان بود، به او پیغام دادم که بروم و با احمدشاه ملاقات کنم و از او بخواهم که زودتر تا کار خراب نشده به ایران مراجعت کند. من پاریس رفتم و به احمدشاه که آن‌وقت در نیس بود، تلگراف کردم که از طرف آتاترک پیغام فوری دارم. احمدشاه جواب داد که من چند روز دیگر به لوزان می‌روم و منتظر هستم که در آنجا شما را ملاقات کنم. من در آن روز به لوزان رفتم و در لوزان پالاس که احمدشاه در آنجا منزل داشت، رفتم و مرا در روز موعود پذیرفت، آقایان ارفع‌الدوله و عمو کهن وزیر مختار

خاندان‌های حکومتگر در دوران قاجار و پهلوی، داستان جذابی دارند؛ اینکه چگونه فرزندان مسئول آشپزخانه سلطنتی ناصرالدین‌شاه به فرماندهان نظامی بدل شوند و برخی دیگر سکان سیاست خارجی در دوران پهلوی را به دست بگیرند تماماً سرگذشت جالبی است. یکی از این خاندان‌های صاحب نفوذ نوادگان انوشیروان خان عین‌الملک هستند. او فرزند سلیمان خان اعتضادالدوله و ملک‌زاده خانم بود. پدر و مادر او هر دو از فرزندان عباس میرزا و نوه‌های فتحعلی‌شاه بودند و پدرش نیز دایی ناصرالدین‌شاه به شمار می‌آمد. از این رو انوشیروان خان از کودکی یکی از اعضای حلقه‌ی کوچکی از اطرافیان و دوستان ناصرالدین‌شاه بود و از نزدیک‌ترین افراد به او شمرده می‌شد. ناصرالدین‌شاه پس از اینکه به سلطنت رسید، انوشیروان‌خان را با خود به دربار برد و نزدیکترین منصب به خودش یعنی خوانسالار، یا رئیس آشپزخانه سلطنتی را به او سپرد تا اختیار غذایی در دست یکی از نزدیکترین دوستانش باشد و پس از مدتی حکومت مازندران و گیلان نیز به انوشیروان‌خان سپرده شد اما او به‌عنوان خوانسالار شاه در تهران ماند و برادر ناتنی‌اش، محمدعلی‌خان را به نیابت از خود به محل حکومت فرستاد. تنها یک سال بعد به‌عنوان رئیس ایل قاجار برگزیده شد و لقب ایلیخانی دریافت کرد. پس از آن نیز با حفظ تمام سمت‌های قبلی، فرماندهی قشون گیلان و مازندران و گرگان را نیز دریافت کرد و در سال ۱۲۸۳ قمری به لقب اعتضادالدوله ملقب شد. این عنوان ابتدا به جد اعلای او امیرسلیمان‌خان تعلق داشت و سپس به پدر بزرگ و پدر او داده شده بود و به این ترتیب او چهارمین نسل از خانواده بود که این لقب را دریافت می‌کرد. انوشیروان‌خان با ملک‌زاده خانم عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین‌شاه ازدواج کرد. عزت‌الدوله زن

کارنامه دیپلماتیک خاندان سپهبدی از وزیر امور خارجه تا سفیرکبیر ایران

از خوانسارالاری تا وزارت و سفارت

روایت انوشیروان سپهبدی از پاسخ احمدشاه به سفیر آتاترک

پادشاه ایران با قشون اجنبی به کشور خودش نخواهد رفت

وزیر امور خارجه ترکیه که مدت‌ها در زمان آتاترک این سمت را داشت با من در ژنو از در دوستی درآمد و آدم خون‌گرم و خوبی بود. چندین سال در ژنو با هم در جامعه ملل همکاری داشتیم (۱۹۳۲)، پس از آنکه من به سمت سفارت کبیری ایران در آنکارا انتخاب شدم، (۱۹۴۲) چندین سال از این آشنایی با دوستی گذشته بود. در آن‌وقت کاری نداشت و آتاترک هم نبود، روزی به سفارت آمد و در بین صحبت گفت‌وگو از زمان وزارت امور خارجه او مناسب‌تر او با احمدشاه و پیغام آتاترک به شاه ایران در میان آمد. من حرف او را بی‌کم و کسر نقل می‌کنم؛ نامبرده گفت آتاترک نظر به اینکه سلسله

اکثر ماموریت‌های سیاسی انوشیروان سپهبدی در کشورهایی صورت گرفت که رابطه با آنها برای ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و حضور سپهبدی در این ماموریت‌ها بیانگر جایگاه برجسته و خاص او در دستگاه سیاست خارجی آن دوران بود. سپهبدی در دوران حضورش در محل ماموریت نیز روابط نزدیک و مؤثری با مقامات کشور مقصد برقرار می‌کرد. یکی از خاطرات سپهبدی که به دوران سفارتش در آنکارا مربوط می‌شود، ضمن بیان رابطه نزدیکش با وزیر امور خارجه ترکیه حاوی دیدگاه احمدشاه قاجار در مورد استقلال کشور است. سپهبدی در این باره می‌نویسد: «توفیق رشدی‌بیک